خبر

معرفی بهترین فیلم‌های مردمی جشنواره سی و نهم

«از دید نقاش»، «بالا افتادن»، «برنو»، «کرم ابریشم» و «نحسی» به‌عنوان فیلم‌های برتر از نظر آرای مردمی در جشنواره فیلم کوتاه تهران تا پایان روز سوم برگزاری این رویداد معرفی شدند. این آمار در حالی ارائه می‌شود که برخی از این فیلم‌ها دو یا سه اکران داشته‌اند. همچنین تاکنون بیش از ۵۰۰۰ تعرفه آرای مردمی در جشنواره توزیع شده است. در دوره‌های پیشین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران مسئولیت رأی‌گیری برای انتخاب و معرفی بهترین فیلم از نگاه تماشاگران به‌عهده انجمن فیلم کوتاه ایران (ایسفا) بود که امسال و در دوره سی‌ونهم باتوجه به انصراف این انجمن از حضور در جشنواره، این کار را دست‌اندرکاران خود جشنواره به‌عهده گرفتند. رأی‌گیری در بخش رقابتی جشنواره انجام می‌شود و هر تماشاگر هنگام ورود به سالن یک تعرفه را دریافت می‌کند که شامل اسامی مجموعه فیلم‌هایی است که در هر سئانس نمایش داده می‌شود. پس از پایان هر سئانس، تماشاگران تعرفه مربوط به هر فیلم را جدا می‌کنند و در صندوق‌ها می‌اندازند.

در همین حال هادی آقاجانی، مسئول رأی‌گیری از تماشاگران جشنواره فیلم کوتاه تاکید کرد اعلام نام فیلم‌های پرمخاطب از ابتدای جشنواره برای گرم کردن فضای رقابت بوده است. به گفته وی در روزهای پنجشنبه و جمعه سئانس‌ها به طور کامل پر و sold out شده بودند و مخاطبی بیش از ظرفیت در سالن داشتیم اما این موضوع را پیش‌بینی شده بود.

نوشابه مشکی، ژانر کمدی- دفاع مقدس

نکه‌ای از تو، ژانر ملودرام

یه چوم یه لنگ، ژانر راز آلود

پشتوانه‌ای برای سینمای بدون ژانر

سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، در تنوع و گستردگی قالب قصه‌گویی مثال زدنی است

فیلم‌های بلند و سینمای حرفه‌ای ایران معمولا از ژانر و فیلمسازی در گونه‌های مختلف فیلم غافل است و اعتنایی به قالب‌های روایتی متفاوت نمی‌کند. البته در برخی سال‌ها و دوره‌ها و حتی در این مقطع زمانی، برخی فیلمسازان علاقه‌هایی به روایت در ژانر نشان داده‌اند و فیلم‌هایی هم ساخته‌اند اما بااین‌حال این رجوع و بهره‌گیری تام و تمام اتفاق نیفتاده و غالبا یک جای کار می‌لنگد و نسبتش با ژانر کامل نیست. هرچقدر سینمای جهان از گذشته تا امروز از ژانر بهره‌ها برده و به نان و نوایی رسیده، سینمای ایران مسیر برعکسی را طی کرده و به‌ویژه در این سال‌های اخیر به شکل عجیبی اصرار به روایت در فضایی بیگانه با ژانر و در بستر سینمای اجتماعی و فیلم‌های واقعگرا و شبه‌واقعگرا دارد. اگر با فیلمساز بدبین یا دست‌کم تلخ‌اندیشی روبه‌رو باشیم، فیلم‌ها هم پر از تلخی و سیاهی می‌شوند و راه نفس را می‌بندند و اگر سودای فروش در گیشه مد نظر باشد، با شبه‌کمدی‌هایی بازهم در فضای مثلا واقعی و اجتماعی با انواع و اقسام تکه‌پرانی‌ها طرفیم.

همه اینها را گفتیم تا در این مسیر آزموده‌شده و به بن‌بست رسیده، امیدمان به سینمای جوان و فیلم‌های کوتاه باشد. آثاری که با تجربه‌گرایی و قدرت بالای ریسک و خطرپذیری و جسارت فیلمسازان جوان و مستعد و تربیت‌شده در مکتب انجمن سینمای جوانان ایران، آثار خلاقانه و جسورانه‌ای می‌سازند و در میان‌مدت و درازمدت و با ورود به سینمای بلند و حرفه‌ای، می‌توانند نقش مهمی در پوست‌اندازی این هنر - صنعت داشته باشند. این پیش‌پرده و تیزر آینده روشن سینمای ایران به‌ویژه با نگاهی به همین سی‌ونهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران تکمیل و تقویت می‌شود چراکه پس از تاکید مهدی آذرپندار، دبیر این رویداد در نشست رسانه‌ای جشنواره درخصوص تنوع ژانر در این دوره، به شکل علنی و در عمل هم تکثر ژانری این دوره برجسته است. تنوعی که ضمن ارتقای کیفی چشمگیر فیلم‌های کوتاه، بی‌بروبرگرد پیشنهاد و پشتوانه خوبی برای فیلم‌های بلند و سینمای حرفه‌ای در آینده‌ای نزدیک هم به حساب می‌آید.

۲۲ فیلم در ژانرهای مختلف

مثل همیشه در تنوع گوناگونی روایت فیلم‌های مستند، تجربی و پویانمایی تردیدی نیست و این آثار در سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران هم تنوع چشمگیری دارند. همان‌قدر که در مستند با تکثر و گستردگی اقلیم و سوژه طرفیم، در بخش تجربی هم همان‌طور که از اسم آن پیداست، فیلمسازان دست به تجربیات درخشانی زده‌اند که اگرچه شاید زیرمجموعه ژانر به خصوصی نباشد اما از قضا به اقتضای ذات آوانگارد و اکسپریمنتال سینمای تجربی پر از بهره‌گیری خلاقانه از ژانرهای مختلف است و بعضا فیلم‌ها رفت‌وآمدهای دلپذیر بین ژانری دارند. عرصه پویانمایی هم که فی‌نفسه، قالب و تجربه جذاب و متفاوتی است و با دست‌ودلبازی کامل به خیال مخاطب پروبال می‌دهد اما نکته مهم و قابل اشاره این دوره جشنواره، تنوع ژانری مسابقه ملی و بخش داستانی است و حرف و عمل برگزارکنندگان این رویداد یکی شده.

اگرچه کماکان درام اجتماعی غالب است و بیشتر فیلم‌ها متاثر از سلطه سینمای اجتماعی فیلم‌های بلند و بانگاهی به دست فیلمسازان مطرح و نام‌آشنا ساخته شده‌اند اما روایت و تجربه‌گرایی در ژانرهای مختلف هم بارز و مشهود و نویدبخش است. از میان ۴۸ فیلم بخش داستانی سی‌ونهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران ۲۲ فیلم در ژانر روایت شده‌اند که عددی امیدوارکننده در این زمینه است و به‌ویژه اگر در چشم‌اندازی آینده‌نگرانه آن را ببینیم، می‌توانیم تنوع ژانری و گوناگونی روایت در قالب‌های مختلف داستانی را در فیلم‌های بلند سینمای ایران تصور و تجسم کنیم. وحشت، کمدی، فانتزی، جنگی، دفاع‌مقدس، ماورایی، رازآلود (معمایی)، ملودرام و جنایی ژانرهای مختلفی هستند که برخی فیلمسازان بخش داستانی این دوره جشنواره سراغ آن رفته‌اند. بعضی فیلم‌ها هم از ترکیب ژانری برای روایت‌شان بهره گرفته‌اند.

از وحشت تا رازآلود

فیلم ۳ و ۳۳ دقیقه به کارگردانی آزاد صادقی که از دفتر انجمن سینمای جوان ایران شهر سنندج در این بخش حاضر است، در ژانر وحشت ساخته شده. تنها فیلمی که در این دوره جشنواره به شکل مستقل سراغ ژانر وحشت رفته، همین اثر است اما از آنجا که سینمای حرفه‌ای ایران چندان میانه‌ای با این ژانر پرطرفدار و مستعد فروش در گیشه ندارد، همین حضور و جسارت هم غنیمت است و تلاش‌ها و تجربیاتی چون این اثر در آینده به‌کار می‌آید. صادقی که کارشناس کارگردانی سینما دارد، در این فیلم قصه جوانی را روایت می‌کند که خانه‌ای قدیمی را خریداری کرده اما خبری از اتفاقات مرموز در زیرزمین آن ندارد.

جشنواره سی‌ونهم فیلم کوتاه یک فیلم دیگر هم در مایه‌های ژانر وحشت دارد، اثری به اسم اندروا به کارگردانی امیر پذیرفته که از انجمن سینمای جوان رفسنجان در این رویداد شرکت کرده است. البته پذیرفته در روایت اثرش که قصه تجربه‌های یک شکارچی است، تنها به ژانر وحشت بسنده نکرده و از ژانرهای ماورایی و رازآلود هم برای قصه‌گویی بهره برده است.

کمدی کوتاه

معمولا فیلم‌های جشنواره‌ای به‌ویژه عرصه فیلم کوتاه جدی، عبوس و تلخ هستند و چندان سراغ کمدی و خنداندن مخاطبان نمی‌روند اما این دوره جشنواره فیلم کوتاه تهران در این زمینه هم خلاف عادت عمل کرده و چند فیلم کمدی در این رویداد حضور دارند. پنج فیلم که کاملا در ژانر کمدی روایت می‌شوند و چند فیلم هم کمدی را با قالب‌ها و ژانرهای دیگر ترکیب کرده‌اند. پارادوپینگ به کارگردانی محمدرضا حسنی‌رنجبر از دفتر انجمن سینمای جوان رفسنجان یکی از آثار کمدی حاضر در جشنواره است. این فیلم قصه استعدادیابی فوتبال را در روایتی بامزه تعریف می‌کند. نکته جالب و قابل اشاره درباره رفسنجان این‌که این شهر با دو فیلم در بخش داستانی حضور دارد که هر دو فیلم در قالب ژانر روایت شده‌اند، یکی کمدی و یکی هم وحشت.

پرویز به کارگردانی پیمان فخرایی از دیگر فیلم‌های کمدی جشنواره است که قصه مردی تنها و افسرده به نام پرویز را در قالب یک کمدی سیاه روایت می‌کند. قضاوت به کارگردانی آریا گازر هم دیگر فیلم کمدی این دوره است. گازر که دانشجوی کارشناسی ادبیات نمایشی است علاقه دارد بعد از ساخت چند فیلم کوتاه در آینده در زمینه سینمای کمدی- اجتماعی فعالیت کند.

نحسی به کارگردانی مهدی (پارسا) امیری‌زاد هم کمدی دیگری است که در این دوره حضور دارد و در فضای ابزورد روایت می‌شود. این فیلم تا اینجایکی از پرمخاطب‌ترین فیلم‌های جشنواره است.

یک تن به کارگردانی پویان مکری هم از دیگر کمدی‌های حاضر در جشنواره امسال است. به جز این آثار، باید از این فیلم‌ها هم که نسبت‌شان را با کمدی حفظ کرده‌اند، اسم برد: «از اینجا باز شود» به کارگردانی مشترک محسن اصدق‌پور و امیرحسین طالبی (کمدی- فانتزی)، «قهوه‌خانه عاشیقلار» به کارگردانی رضا جمالی (کمدی درام) و «نوشابه مشکی» به کارگردانی محمد پایدار (کمدی- دفاع مقدس).

روایت مقاومتی

به جز فیلم نوشابه مشکی که نگاهی کمیک به جنگ دارد، یک فیلم جنگی دیگر هم در بخش داستانی حضور دارد که در فضای درام روایت می‌شود و نگاهی جدی به جنگ دارد. فیلم اسماء به مصطفی آقامحمدلو در حوزه سینمای مقاومت ساخته شده است و قصه یک زن امدادگر سوری را به تصویر می‌کشد که همراه یک فرمانده سراغ سامان دادن یک بیمارستان زیر آتش در استان ادلب سوریه می‌رود اما در اثر انفجار زیر آوار گرفتار می‌شود.

سوغات خیال و فانتزی

خیال یکی از گمشده‌ترین عناصر سینمای ایران است. این دوری از خیال و به عبارتی بی‌خیالی حتی به سینمای کودک و نوجوان ما هم سرایت کرده و مخاطبان بینوای کم سن و سال، چندان از نعمت خیال‌پردازی در فیلم‌ها برخوردار نمی‌شوند. شاید تولید فیلم‌های کوتاه فانتزی، تمرینی برای رجوع دوباره به خیال باشد. به جز کمدی- فانتزی از اینجا باز شود، خوشبختانه این دوره جشنواره فیلم کوتاه تهران شش فیلم فانتزی دیگر هم دارد. از دید نقاش به کارگردانی گلی زارعی، بالا افتادن به کارگردانی مریم بختیاری، رنگارنگ به کارگردانی محمدرضا مرادی، لیدی به کارگردانی فردین انصاری، مریضخانه مرکزی به کارگردانی مشترک وحید نامی و نوید نامی، نقاشی (دندان درخت) به کارگردانی علی پاک نیا از آثار فانتزی این دوره جشنواره هستند.

قصه روزگار

ملودرام‌ها مثل کمدی‌ها فی‌نفسه پرمخاطب هستند، هر دو با تکیه بر شدیدترین احساسات تماشاگران قصه‌هایشان را روایت می‌کنند، اولی با اشک مخاطبان سروکار دارند و دومی با خنده آنها. در این دوره جشنواره فیلم کوتاه هم دو ملودرام حضور دارند: او لبخند نمی‌زند به کارگردانی زردشت افشاری از بهبهان و دیگری هم تکه‌ای از تو به کارگردانی هادی نوری.

جنایت و ماوراء

فیلمی به نام جناکات هم در جشنواره امسال حضور دارد که شاید دقیقا نتوان آن را در ژانر خاصی دسته‌بندی کرد، اما هم نسبتی با ژانر جنایی دارد و هم فانتزی و هم نوآر. این فیلم به کارگردانی عطا مجابی هم جزو فیلم‌های محبوب مردمی در این دوره است و قصه دزدی را روایت می‌کند که مرتکب قتلی وحشیانه می‌شود اما می‌گریزد و تحت تعقیب قرار می‌گیرد. نکته مهم درباره فیلم بدون دیالوگ بودن آن است. اسم فیلم هم ترکیب جالب دو کلمه جنایت و مکافات است و از این جهت این عبارت خلاقانه‌تر و معنادارتر می‌شود که بدانیم فیلم با نگاهی به اثر مشهور داستایفسکی نوشته و ساخته شده و از این نظر فیلمی اقتباسی هم به حساب می‌آید. به جز فیلم اندرواکه نسبتی با ژانر ماورایی داشت، فیلم نجان به کارگردانی محمدمهدی باقری را هم در جشنواره امسال داریم که منحصرا در فضای ماورایی روایت می‌شود. این فیلم در تالش ساخته شده و داستان پسری ناشنوا را روایت می‌کند که توسط برادر بزرگ‌ترش به جنگل برده می‌شود. او پای درختی که به ادعای برادر آرزوها را برآورده می‌کند باید بپذیرد برای آرزوی بزرگی که در دل دارد، از چیز مهمی بگذرد. باز و دوباره به جز فیلم اندرواکه از قضا تنه‌ای هم به ژانر رازآلود و معمایی می‌زد، فیلمی به نام یه چوم یه‌لنگ در این بخش حاضر است که کاملا در این فضا روایت می‌شود. این فیلم به کارگردانی یاسر برزگر، قصه یک معلم در روستایی دورافتاده را به تصویر می‌کشد که از وجود هیولایی خطرناک در جنگل به دانش‌آموزان خود خبر می‌دهد.

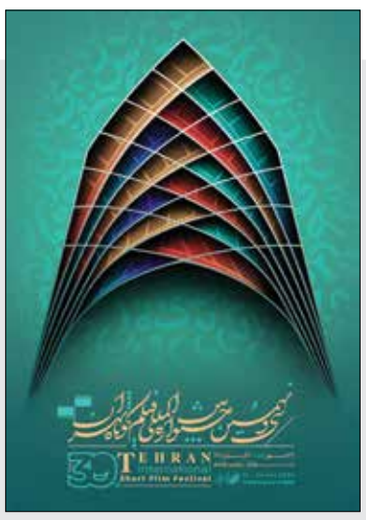

برش

نشانه بصری تنوع ژانری جشنواره

کمتر پیش آمده به وقت رونمایی از پوستر جشنواره‌ها و رویدادهای مختلف فرهنگی و هنری به ویژه سینما با موجی از نقد و نظرها و اظهارنظرها و مخالف‌خوانی‌های حتی تند و تیز روبه‌رو نباشیم. همیشه حتی در بهترین حالت طراحی و اجرا توسط بهترین آرتیست و نامدارترین گرافیست هم نقدها حضوری جدی و همواره دارند. اساسا در فضای هنری که تا حدود زیادی مبتنی بر نگاه شخصی و سلیقه هم است، جلب رضایت همه مخاطبان و منتقدان کار بسیار سخت و چه بسا بعیدی است. موقع رونمایی پوستر سی و نهمین جشنواره فیلم کوتاه تهران هم این نقد و نظر شکلی جدی داشت اما به نظر در این زمینه می‌توان یک بار دیگر به صحبت‌های طراح پوستر و دبیر جشنواره رجوع کرد و دست کم با نگاهی منصفانه آن را پذیرفت و بر نسبتش با تنوع ژانری جشنواره صحه گذاشت. دانیال رحیمی کاشانی، طراح پوستر درباره این اثر گفت: با رنگ‌های ایرانی تنوع ژانر را ایجاد کردیم. مهدی آذرپندار، دبیر جشنواره هم توضیح داد: رنگین‌کمانی از رنگ‌ها را که در پوستر شاهد آن هستیم، با توجه به تنوع اقلیمی و بومی ما طراحی شده است. همیشه نکته مهمی که در ذهن ما وجود داشته، اهمیت ارتباط عمیق پوستر جشنواره با طرح‌ها و الگوهای ایرانی و اصیل ما بوده است. این رنگ‌ها بیانگر تنوع نگاه‌ها و ژانرهاست که در این دوره از جشنواره رویکردی ویژه نسبت به آن وجود دارد. امیدواریم این اتفاق به درستی رخ دهد و بتوانیم شاهد آثاری متنوع در جشنواره باشیم.

درنگ

مشقِ ژانر

علی رستگار
گروه فرهنگ و هنر

رسول صدرعاملی همین چند روز پیش در نشست تخصصی خود به اهمیت شناخت ژانر در فیلمسازی اشاره کرد و حتی تا آنجا پیش رفت که یک فیلمساز خوب بودن را منوط به شناخت ژانر دانست و گفت اگر ژانر را نشناسیم، هیچ‌گاه فیلمساز خوبی نخواهیم شد. در نگاه اول شاید کمی زیاده‌روی به نظر برسد و شاید حتی به اشتباه این ذهنیت را ایجاد کند که لزوما باید در قالب و ساحت ژانر، فیلم ساخت تا به موفقیت در سینما رسید و انگار در فضایی دور از ژانر و در بستر موسوم به سینمای اجتماعی نمی‌توان رستگاری را تجربه کرد. اما می‌توانیم با تکیه به دانش و زیست کارگردانی شده صدرعاملی که هر دوی این فضاها را به بهترین شکل تجربه کرده، این جمله کلیدی را یکی از سرلوحه‌های کارگردانی قرار دهیم و مشقِ ژانر کنیم. صدرعاملی که با سه‌گانه دختری با کفش‌های کتانی، من ترانه ۱۵ سال دارم و دیشب باباتو دیدم آیدا در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ حضور موفقی در درام اجتماعی مرتبط با موضوعات دختران نوجوان داشت، در اوایل دهه ۶۰ با ساخت فیلم گل‌های داوودی در ژانر ملودرام، چه اشک‌ها که درنیاورد و چه فروش‌ها که در گیشه نکرد. پس وقتی از لازمه شناخت ژانر می‌گوید و آن را پیش نیاز و ضرورت جدی فیلمسازی می‌داند، می‌توانیم به او اعتماد کنیم.

واقعا هم کدام کارگردان بزرگی را می‌شناسید که از فیلمسازی در ژانر ضرر کرده باشد؟ جان فورد، سال‌ها وسترن ساخت و جاودانه شد، چاپلین در کمدی به تاریخ پیوست، آلفرد هیچکاک در زمینه فیلم‌های رازآلود و معمایی و جنایی مخاطبان بسیاری را میخکوب کرد، لوئیس بونوئل و دیوید لینچ ما را به سینمای سوررئال علاقه‌مند کردند، بیلی وایلدر به ژانرهای مختلف سرک کشید و هرکدام را به بهترین و جذاب‌ترین شکل تجربه کرد و ...

ژانرها همیشه کار سینما را راه‌انداخته‌اند و با این‌که باتوجه به شباهت‌های موضوعی و داستانی و ساختار غالبا یکسان در فضاهای مختلف، دست‌کم در مبنا و پایه تکرار و کلیشه‌ای در خود دارند (مثل وسترن‌ها که با گله و دامداری و هفت تیرکش و سرخپوستان و دوئل و محوشدن‌ها در غروب آفتاب قراردادی دائمی دارند)، اما تماشاگران اتفاقا عاشق همین رجوع هربار به تکرارها دارند، منتهی این مواجهه با توجه به قدرت داستان‌پردازی فیلمسازان هربار سروشکل و جلوه تازه‌ای دارد و اعتماد چشم بسته به ژانرها را نزد مخاطبان بالا می‌برد. ژانر ظاهرا بیشتر به کار سینمای بدنه و تجاری و فیلم‌های بلند می‌آید و مخاطبان با پیش زمینه و قرارداد ذهنی از ژانرهای مختلف، به سینما می‌روند و موفقیت و فروش فیلم‌ها را تضمین می‌کنند اما از باب یکسانی قواعد و ساختار، می‌تواند در فیلم کوتاه و سینمای جوان هم کارآمد باشد و با ذوق و خلاقیت و تجربه‌گرایی و چه بسا تخطی فیلمسازان از برخی قوانین ژانری، به ترکیبات جذاب تازه‌ای منجر شود و به جز این برای فیمسازان آینده سینمای حرفه‌ای، تمرینی اساسی باشد.

با این نگاه، مطالعه و شناخت ژانر برای همه فیلمسازان و فعالان و عوامل فیلم‌های کوتاه و سینمای بلند و حرفه‌ای ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و به جز فیلم تماشای همیشگی سینمای کلاسیک و آثار این سال‌ها که در قالب ژانرهای مختلف ساخته شده‌اند و حکم درس‌های بزرگی را دارند، می‌توان سری به کتاب‌هایی چون ژانرهای سینمایی (از شمایل شناسی تا ایدئولوژی) نوشته کیت گرانت و راهنمای ژانر (معرفی و بررسی ده گونه سینمایی) نوشته یحیی نطنزی زد.

قاب

فیلمسازانی تشنه تجربه

یکی از بخش‌های پرطرفدار جشنواره فیلم کوتاه تهران که با حضور انبوه دوستداران سینما به‌خصوص فیلمسازان جوان برگزار می‌شود، کلاس‌ها و سخنرانی‌های چهره‌های مشهور و صاحب تجربه و سبک در سینماست. عکسی که در آن حضور پرشور جوانان دوستدار سینما را می‌بینید، فارس از نشست سخنرانی احمدرضا درویش در روز سوم برگزاری سی و نهمین جشنواره فیلم کوتاه تهران گرفته است.

چهره

سینمای ما صنعتی نیست

احمدرضا درویش در جشنواره فیلم کوتاه تهران گفت: من بعد از «رستاخیز» به دلایل مختلف در هیچ جمعی حاضر نشدم اما بحث سینمای جوانان ایران یک بحث مجزاست. من یک سابقه طولانی در این انجمن دارم، چه در بیست و چند سالگی و چه بعد از ساخت اولین فیلم بلندم که درگیر انجمن بودم و به محافل مختلف آن دعوت می‌شدم.

وی ادامه داد: من خیلی معتقد به صنعت سینمای ملی و بین‌المللی ایران نیستم و به‌طور روشن به این موضوع اعتقاد ندارم که سینمای ما ملی، صنعتی یا بین‌المللی است. بحث را باز نمی‌کنم اما برایش استدلال دارم. اگر فرصت باشد در محافل خصوصی‌تر این جریان را باز می‌کنم. البته شاید مثل من خیلی‌ها این تصور را داشته باشند. سینمای ما تجربی است و در پی کشف زبانی هستیم که متعلق به ما، به منطقه، هویت، زیست اجتماعی ما و تا رسیدن به سینمای ملی، بین‌المللی و صنعتی فرسنگ‌ها فاصله داریم.

این کارگردان باسابقه تأکید کرد: این‌که گفته می‌شود سینمای ما صنعتی است، یک فریب ناخواسته است که ما هم دچارش هستیم. خود دست‌اندرکاران هم باورشان شده که در چنین قواره‌ای ظاهر می‌شوند. / فارس

تحلیل

فیلم کوتاه به مثابه رباعی

معاون اسبق صدا و استاد دانشگاه گفت: تمام ظرفیت‌های ممکن باید از فیلمسازان کوتاه حمایت کنند، چراکه این افراد قدرت سینمای ایران هستند.

به گزارش ستاد خبری جشنواره، حسن خجسته در حاشیه این دوره از جشنواره تصریح کرد: جشنواره فیلم کوتاه تهران مثل یک سکو است که کارگزاران سینمای کوتاه آن را ایجاد کرده‌اند. برخلاف برخی افراد که بالای این سکو حضور دارند، برخی فیلمسازان نیز درحال تلاش برای رسیدن به این جایگاه هستند.

وی افزود: این فضا نویدبخش این است که آینده سینمای ایران بسیار پرقدرت خواهد بود. همچنین اگر بخواهم فیلم کوتاه را به شعر تشبیه کنم باید بگویم فیلم بلند سینمایی مانند غزل و قصیده و فیلم کوتاه مانند رباعی و دوبیتی است و ما می‌دانیم سرودن رباعی و دوبیتی چه کار سختی است و منظور من از این تشبیه این است که شاید ظاهر فیلم کوتاه آسان به نظر برسد اما در باطن و در ساخت کار بسیار سختی است و این نشان از اهمیت آثار سینمای کوتاه دارد.